

## چالش‌ها و راهبردهای سیاست کیفری ایران در پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان شاغل

سارا بشری<sup>۱</sup>، فریبا اله یورتی<sup>۲</sup> و سالار رحیمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۴

### چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از مباحث مهم و اساسی جامعه ما پرداختن به مبحث اشتغال زنان و بزه‌دیدگی آنان و کشف رابطه علی و معلولی بین این دو مجهول مغفول مانده در منظر اذهان حقوقی است. با توجه به ضرورت بررسی سیاست کیفری ایران در بزه‌دیدگی ناشی از اشتغال، مسئله اصلی پژوهش حاضر، چالش‌ها و راهبردهای سیاست کیفری ایران در کاهش آسیب‌های مادی یا معنوی ناشی از اشتغال زنان است.

**روش:** برای پاسخگویی به پرسش پژوهش، ضمن استفاده از دیدگاه‌ها و نظرات گوناگون در این حوزه و بررسی قوانین موجود، با ۲۰ نفر از زنان شاغل در بخش دولتی و خصوصی در سطوح مختلف شغلی، مصاحبه عمیق انجام شد.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهد که در نظام عدالت کیفری ایران، آسیب‌هایی در هر سه حوزه تقنینی، قضایی و اجرایی به چشم می‌خورد. بسیاری از اشکال قربانی شدن خشونت‌آمیز وجود دارند که توسط قانونگذار جرم‌انگاری نشدند و در برخی از موضوعات که جرم‌انگاری شدند، ضمانت اجراهای مناسب که نقش مؤثر در کاهش جرم داشته باشند، به چشم نمی‌خورد به طوری که در رابطه با برخی رفتارهای خشونت‌آمیز متأسفانه هیچ مرجعی برای دفاع از بزه‌دیدگان وجود ندارد و گاهی حتی خود مراجع، مرجع خشونت برای آنان می‌شوند و با روند دادرسی‌های طولانی و در مواردی پیش‌داوری، بزه‌دیده را به شکل دیگر مورد خشونت قرار می‌دهند. بنابراین با طرح راهکارهای حمایتی در برابر این دسته از بزه‌دیدگان خاص، در صدد پیشبرد جامعه به سوی کاهش آمار بزه‌دیدگی و ترمیم آلام روحی بزه‌دیدگان و جبران خسارات مادی و معنوی آنان هستیم.

**کلیدواژه‌ها:** بزه‌دیده‌شناسی، جرم‌شناسی، اشتغال، زنان بزه‌دیده، سیاست‌های پیشگیرانه.

۱. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

Sara.bashari93@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه:

Fariba.alahyoorti@modares.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران. رایانامه:

Salar.r.law@gmail.com

## مقدمه

امروزه، نقش زنان در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی در هر جامعه‌ای غیر قابل انکار است. اگرچه تعداد زنان همواره برابر و گاه اندکی بیش از جمعیت مردان بوده، اما جایگاه اجتماعی و حقوقی آنان به طور معمول در حاشیه قرار داشته است (کرامارا و ریچلر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵، ص ۸۵). در جامعه ایران که مردسالاری حاکم بوده، متأسفانه سرنوشت و حقوق زنان، در پرتو سیاست‌گذاری‌های مردانه رقم می‌خورده است (ابراهیمی، ۱۳۹۴، ص ۱۷). این موضوع، سبب شده است که چالش عدالت جنسیتی<sup>۲</sup> در کانون توجه اندیشمندان و منتقدان حوزه‌های مختلف - به ویژه حوزه علوم جنایی تجربی از جمله جرم‌شناسی و بزهدیده‌شناسی - واقع شود.

عدالت جنسیتی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه دستیابی به مشارکت پایدار اجتماعی، در مقابل برابری جنسیتی قرار دارد. شواهد نشان می‌دهد که برابری جنسیتی و تشابه‌طلبی میان کلیه حقوق و وظایف زنان و مردان در تمام حیطه‌ها از جمله اشتغال، نتوانسته است به نحو مؤثر و مقتضی از عهده حمایت از زنان شاغل و حقوق ایشان برآید. اقتضای عدالت به رسمیت شناختن حقوق و وظایف متفاوت و متناسب و در عین حال عادلانه برای هر یک از زنان و مردان، با توجه به ویژگی‌های سرشتی و طبیعی هر یک از آنان است.

براساس عدالت، نخستین معیار ارزیابی قوانین و سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و جنایی دولت‌هاست. احساس عدالت، یکی از شاخص‌های اصلی رفاه اجتماعی در دنیای کنونی است. در این ارتباط، عدالت اجتماعی<sup>۳</sup> و عدالت کیفری<sup>۴</sup> دو جلوه بسیار مهم از عدالت است که در عرصه‌های سیاست‌گذاری تجلی می‌یابد. ایجاد فرصت برابر برای همه افراد جامعه به منظور دسترسی به عدالت<sup>۵</sup>، ممنوعیت اعمال تبعیض‌های ناروا و ایجاد حس

1. Krammara & Treichler  
2. Gender Justice  
3. Social Justice  
4. Criminal Justice  
1. Access to justice

بی‌عدالتی، پیش‌بینی سازوکارهای قانونی حمایتی، تعامل مثبت و سازنده میان نهادهای عدالت کیفری و نهادهای مسؤول حمایت اجتماعی و تصویب قوانین غیرتبعیض‌آمیز و خودداری از اجرای جهت‌دار قوانین، از جلوه‌های پیوند عدالت اجتماعی و عدالت کیفری است. بی‌توجهی به این شاخصه‌ها و نادیده‌انگاری نقش مثبت زنان در فقرزدایی و تقویت بُنیه اقتصادی کشور، پیامدهای شومی از جمله خشم، ناکامی، ناامیدی، بیزاری و شاید واکنش‌های تکانه‌ای<sup>۱</sup> زنان به عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر را رقم می‌زند.

ضمن تأکید بر چالش عدالت جنسیتی، تمام گرایش‌های فمینیستی نظیر لیبرال، مارکسیست و رادیکال، تحت تأثیر تفکر اندیشمندان با نفوذی چون روتنبرگ<sup>۲</sup>، تانگ<sup>۳</sup>، برت<sup>۴</sup> و والبی<sup>۵</sup>، معتقدند جدایی نقش‌های زنان در ساختارهای اجتماعی تحت سلطه مردان صورتی جاودانه یافته است. جرم‌شناسان فمینیست، هم جرم‌های ارتكابی بر ضد زنان و هم جرم‌هایی را که به دست این جنس انجام می‌پذیرد، محصول دو عامل ستم‌دیدگی اجتماعی و وابستگی اقتصادی آنان به مردان یا تشکیلات بهزیستی دولت قلمداد می‌کنند. در این ارتباط، سوزان جیمز<sup>۶</sup> دیدگاه کلی فمینیسم را این گونه روشن می‌کند: فمینیسم بر این عقیده استوار است که زنان در مقایسه با مردان، ستم‌دیده و محروم هستند و این ستم‌ورزی، غیرقانونی و غیرمنصفانه است (هاردینگ<sup>۷</sup>، ۱۹۸۰، ص ۱۱۲).

به اعتقاد استالتنبرگ<sup>۸</sup>، نقش‌های زن و مرد به لحاظ ارزشی یکسان نیست؛ وی تأکید می‌کند نقش‌های جنسیتی مرد که توسط ساختارهای اجتماعی تعیین و تعریف می‌شود، ریشه اصلی بی‌عدالتی و تبعیض جنسیتی است (استالتنبرگ، ۲۰۰۰، ص ۷۱). این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده برتری قدرت مردان و سوءاستفاده آنان از زنان باشد؛ به طوری که

1. Impulsive Reactions
2. Rothenberg
3. Tong
4. Barret
5. Walby
6. Suzan James
7. Harding
8. Stoltenberg

سوءاستفاده‌های شغلی و خدماتی از زن در خانه و محیط‌های شغلی، گفتمان جنسیت‌مدار<sup>۱</sup>، مزاحمت‌های زبانی، رفتاری و مانند آن، همه تاکتیک‌هایی است مردانه، جهت اعمال کنترل و قدرت که به طور کامل ریشه در میل به تفوق و سلطه‌جویی در مرد دارد (مسرچمیت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴، ص ۲۷). اما باید گفت چنین الگوی ارتباطی امری طبیعی نیست؛ بلکه مردان در عرصه اجتماع این سلطه‌طلبی را می‌آموزند و یاد می‌گیرند که مردانگی تکامل یافته، مبتنی بر اعمال زور، قدرت، سلطه و خشونت است (ویتز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸، ص ۳۷). ویژگی‌هایی که متأسفانه قوانین و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی نیز بر آن صحنه گذاشته و مورد تأیید قرار می‌دهند.

به‌رغم حقایق پیش‌گفته، امروزه در راستای برابری جایگاه اجتماعی و حقوقی زن با مرد و با توجه به پیشرفت‌های فناورانه‌ی نوین و به تناسب آن، افزایش میزان تحصیلات در میان زنان و رسیدن آنها به بلوغ اجتماعی و تبلور آن در عرصه‌های مختلف و ضرورت حضور ایشان در بطن جامعه، افق‌های جدیدی به روی زنان در طیف گسترده‌ای از مشاغل در منصب‌های خُرد یا کلیدی گشوده شده است. اما متأسفانه به موازات حضور زنان در جامعه، آنان به اعتبار شرایط خاص زیستی، فیزیکی، روانی، اخلاقی و اجتماعی، ممکن است آماج آسیب‌پذیری و بزه‌دیدگی واقع شوند؛ از جمله آنکه از سوی کارفرما با خشونت‌های رفتاری، روحی و روانی بسیاری در محیط کار روبرو شوند و حتی گاهی به دلیل فرمانبرداری نکردن از مقام مسئول در محیط کار، به دلیل درخواست‌های نابجای وی، دچار خشونت‌هایی شوند که وصف مجرمانه نداشته باشد.

در کنار اسناد، مقررات و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی عدیده در زمینه رفع تبعیض علیه زنان، ریشه‌کنی خشونت علیه آنان و نیز لزوم کاربست تدابیر و برنامه‌های حمایتی ویژه در این زمینه، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب

۱۳۸۳/۰۶/۳۱، حق بهره‌مندی زنان از تدابیر قانونی و حمایت قضایی به منظور پیشگیری از جرم و ستم در خانواده و جامعه و رفع آن را به منزله تکلیف دستگاه‌های مربوط برای سیاست‌گذاری، اتخاذ تدابیر قانونی، تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی پیش‌بینی کرده است.

بی‌تردید، در کنار قانونگذاری کیفری و تلاش در حمایت کیفری از حقوق بزه‌دیدگان خاص، از جمله زنان - آن هم در محیط‌های شغلی - پیشگیری چندنهادی، با مشارکت نهادهای مختلف دولتی و غیر دولتی، ضرورت می‌یابد. نبود برنامه‌ها و تدابیر هدفمند در حمایت از زنان شاغل بزه‌دیده یا در معرض بزه‌دیدگی، چالش جدی نظام عدالت کیفری ایران - در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی - است. در ضمن، آسیب‌شناسی حقوقی قوانین و مقررات مرتبط با بحث را نیز نباید از نظر دور داشت.

این پژوهش در پی آن است که موضوع اشتغال زنان و حقوق زنان شاغل را از منظر جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی مطالعه کند و به نظریه‌های مختلف پژوهشگران بپردازد و با طرح پرسش از زنان شاغل در بخش دولتی و خصوصی در خصوص راهبرد نظام حقوقی ایران در کاهش آسیب‌های مادی یا معنوی ناشی از اشتغال زنان و حمایت کیفری از آنها، جهات ضعف قوانین کیفری را در قبال حمایت از بزه‌دیدگی زنان شاغل، شناسایی و راهکارهای مناسبی برای مقابله و پیشگیری از بزه‌دیدگی با طرح ایده‌های نوین برای تدوین قوانین و یا آیین‌نامه‌هایی که توسط قانونگذار و یا قوهی مجریه که جنبه‌ی حمایتی بیشتری از زنان در سطح جامعه دارند، ارائه شود. دیگر آنکه بتوان دستگاه قضا و سایر دستگاه‌های اجرایی کشور همانند نیروی انتظامی را به حمایت از زنان شاغل که ممکن است مورد آماج صدمات و تألمات جسمی، روحی و حیثیتی قرار گیرند، رهنمون ساخت تا بتوان جولانگاه بزهکاران را محدود و عرصه‌ی تاخت و تاز را بر آنان تنگ کرده و نرخ سیاه بزه‌دیدگی را محو و یا بسیار کم‌رنگ کرد.

**پیشینه:** پژوهش‌های متعددی در حوزه اشتغال و پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان انجام شده است. در حوزه پژوهش‌های داخلی، عظیم‌زاده (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان «پویایی

جلوه‌های سیاست جنائی در حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت» با روش انجام پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده است که با لزوم بسترسازی هرچه سریع‌تر فرهنگی، تعادل‌سازی جنسی اجتماع و نهادینه - ساختن مبارزه با خشونت، با گذر زمان زمینه حرکتی همه جانبه که در آن حضور فعالانه قوای سه‌گانه مشهود خواهد بود، فراهم می‌شود.

ابراهیمی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تحلیل جرم‌شناختی تأثیر اشتغال بر بزه‌دیدگی زنان» که جامعه آماری آن شامل زنان شاغل در بخش دولتی و خصوصی و روش انجام پژوهش به صورت پرسش، پاسخ و مصاحبه بود به این نتایج رسید که برخی عوامل در بزه‌دیدگی زنان به واسطه اشتغال آنها همانند شرایط زیستی و روانی زنان، شرایط محیط کار، نوع برخورد کارفرما، ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه، مؤثر است.

مهدوی و فلاح‌الحسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش سازمان بازرسی کل کشور در پیشگیری از وقوع جرم» با روش انجام پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و جمع - آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیدند که سازمان بازرسی کل کشور، برای انجام وظایف پیشگیری از جرم، بهترین راهکاری که دارد، پیشگیری وضعی است.

در حوزه پژوهش‌های تطبیقی، استفان کاوینگتن و باربرا بلوم<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «عدالت جنسیتی زنان در سیستم عدالت کیفری» معتقدند که مشکل زنان، تبعیض جنسیتی است که برخاسته از ساختار جامعه است و در همین خصوص استالنتبرگ (۲۰۰۰) نیز در پژوهشی با عنوان «عدالت و جنسیت»، نقش‌های جنسیتی مرد که توسط ساختارهای اجتماعی تعیین و تعریف می‌شود را ریشه اصلی بی‌عدالتی و تبعیض جنسیتی می‌داند که این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده برتری قدرت مردان و سوءاستفاده آنان از زنان باشد. با عنایت به اهمیت و ضرورت طرح بحث اشتغال زنان و بزه‌دیدگی آنان از منظر علوم

1. Covington, Stephanie, Bloom, Barbara

جنایی تجربی به ویژه جرم‌شناختی و بزهدیده‌شناختی و توجه به سیاست کیفری ایران در این خصوص، پژوهش حاضر بی‌گمان واجد ره‌آوردهای بسیاری خواهد بود.

### مبانی نظری

از منظر جرم‌شناختی، علت‌شناسی جرم و پیشگیری - در سطوح مختلف و با اوصاف متفاوت - ضرورت دارد (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۲۰). در کنار این بحث، توجه به جایگاه و نقش بزهدیده در عدالت جنایی و حمایت درخور از او موضوع پژوهش بزهدیده‌شناختی است. کاوش در علل بزهدیدگی - در کنار بررسی علل بزهکاری - محور پژوهش در شاخه‌ای از علوم جنایی تجربی است که در اصطلاح از آن به بزهدیده‌شناسی تعبیر می‌شود (غلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۴).

بزهدیده‌شناسی در نخستین گام، بر پایه یافته‌ها و ملاک‌های علمی و جرم‌شناسانه نقش و سهم بزهدیده را در تکوین رویداد جنایی بررسی می‌کند (بزهدیده‌شناسی علمی<sup>۱</sup> یا نخستین). حمایت از بزهدیده در چارچوب یک الگوی چندگانه حمایتی، دومین گام در تحولات بزهدیده‌شناسی است (بزهدیده‌شناسی حمایتی<sup>۲</sup> یا دومین). بزهدیده‌شناسی حمایتی، فراتر از یک جبران مادی، به ترمیم درد و رنج‌های عاطفی برخاسته از جرم و نیز به رسمیت شناختن حقوق ویژه‌ای برای بزهدیدگان با هدف احقاق حقوق و جبران واقعی آثار بزهدیدگی آنها در چارچوب یک الگوی چندگانه حمایتی می‌اندیشد. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، صص ۱۳-۱۴). از آنجا که دستیابی به این الگو در گرو یک سیاست جنایی مطلوب است، سنگ بنای آن را حمایت کیفری در چارچوب یک سیاست جنایی تقنینی بزهدیده‌مدار تشکیل می‌دهد. امروزه، هدف اصلی بزهدیده‌شناسی را باید پیشگیری از بزهدیدگی از رهگذر زدودن پیامدهای بدنی، روانی، عاطفی - حیثیتی و مالی برخاسته از جرم دانست.

از چهار دهه پیش تاکنون، بزهدیده در اسناد بین‌المللی متعددی مورد حمایت واقع شده

است، که از آن جمله می‌توان به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۸۵) با عنوان «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»، قطعنامه ۱۹۹۰ مجمع عمومی راجع به «حمایت از حقوق انسانی بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» و نیز در سطح شورای اروپا، به کنوانسیون اروپایی «پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرائم خشونت‌بار (۱۹۸۳)» اشاره کرد (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶). اما آنچه همواره در کانون توجه بزه‌دیده‌شناسان قرار گرفته، گونه‌های خاص بزه‌دیدگان - بر پایه معیارهای آسیب‌شناسانه جنس، سن، سالمندی، ناتوانی، خصایص قومی و اقلیتی - است که ضرورت حمایت از ایشان را دوچندان کرده است (ولد، جرج، برنارد، توماس و جفری اسنیپس، ۱۳۹۷، ص ۳۶۵). در میان گونه‌های خاص بزه‌دیدگان باید از زنان یاد کرد. زنان بزه‌دیده از رهگذر جرم، ممکن است هم به طور مستقیم بزه‌دیده واقع شوند، و هم خانواده یا وابستگان آنها به شکل غیر مستقیم، آسیب ببینند.

عدم حمایت کیفری افتراقی و دنباله‌دار (متداوم تا زمان رفع خطر یا تهدید) از زنان از رهگذر هنجارگذاری جنایی (جرم‌انگاری و کیفرگذاری)، نبود سازوکارهای نظارتی یا کنترلی، فقدان حمایت‌های حقوقی، اجتماعی و اقتصادی مطلوب، زمینه بزه‌دیدگی بالقوه یا بالفعل آنان را فراهم می‌سازد.

قانونگذار با لحاظ عامل جنسیت و وضعیت در معرض خطر زنان شاغل، باید تلاش کند ضمن اعمال تدابیر حمایتی و بازدارنده، حمایت کیفری ویژه‌ای را نیز در این زمینه صورت دهد. بازدارندگی با کاهش ضریب احتمال وقوع جرم، دشوارسازی زمینه دسترسی به آماج سهل‌الوصول<sup>۱</sup> و وضع ضمانت اجرای کیفری قاطع در پیشگیری از وقوع یا تکرار بزه اثرگذار است. از منظر جرم‌شناسی، نظریه حسابگری جنایی<sup>۲</sup> و نظریه فرصت جرم<sup>۳</sup> در این ارتباط درخور توجه‌اند. به طور کلی بر اساس نظریه‌های خردمحور، بزهکار فرد بسیار

1. Easy Target
2. Criminal Calculation
3. Crime Opportunity



اجتماعی شده‌ای است و می‌داند چگونه در مواقع فشارهای اجتماعی و اقتصادی به طراحی راهبرد مؤثر پرداخته و آن را به اجرا بگذارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، صص ۲۰۷۴).

نظریه انتخاب عقلانی<sup>۱</sup>، تحلیلی اقتصادی از جرم دارد. گری بکر<sup>۲</sup>، مبتکر تحلیل اقتصادی جرم، عمل مجرمانه را یک نوع عمل اقتصادی می‌داند و واکنش اجتماعی را شکلی از سیاست اقتصادی تلقی می‌کند. در نظر او مجرم یک فرد بیمار نیست؛ بلکه همچون هر فرد دیگری، موجودی است منطقی که بر حسب فایده‌ای که از نتیجه فعالیت مجرمانه خود انتظار دارد، تصمیم می‌گیرد. در حقیقت، آن‌چنان که درک کورنیش<sup>۳</sup> و رونالد کلارک<sup>۴</sup> تبیین می‌کنند، باید بر موقعیت‌های سودمند مجرمانه برای تحلیل انتخاب عقلانی تمرکز کرد (کرامتی معز و میرخلیلی، ۱۳۹۹، ص ۷)؛ موقعیت‌هایی که وقتی در کنار یک کنشگر فعال و محاسبه‌گر قرار بگیرند، احتمال ارتکاب جرم را بالا می‌برد. بنابراین، کاهش فایده جرم از جمله اقداماتی است که باید انجام شود و در این راستا دستکاری در موقعیت‌های یاد شده بهترین راه کاهش مطلوبیت است. این نظریه، دلالت‌های پیشگیرانه دارد (مگوایر، ۱۳۹۴، صص ۳۴۷ و ۳۴۸).

بکاریا و بنتام<sup>۵</sup> قائل به سودمندی جرائم بودند؛ اما تجزیه و تحلیل آنها صرفاً نظری بوده است. طبق اصل حسابگری جزایی بنتام، مجرم طبق معادله‌ای که یک طرف آن سود حاصل از ارتکاب جرم و طرف دیگرش زیان احتمالی ناشی از محکومیت و مجازات قرار دارد، تصمیم به ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم می‌گیرد. برای اینکه این معادله به نفع حقوق و عدالت پیش برود باید مجازات سنگین شود تا بهای مستقیم جرم (ضمانت اجرای کیفری) بیشتر از سود حاصله از ارتکاب جرم باشد (نعیمی، ۱۳۹۱، صص ۱۷۲-۲۱۹).

با توجه به اینکه برخی از افراد جامعه همچون زنان به دلیل عوامل خاص زیستی و اجتماعی،

1. Rational Choice Theory
2. Gary Becker
3. Derek Cornish
4. Ronald V. Clarke
5. Beccaria & Bentham

پیش‌زمینه برای بزه‌دیده واقع شدن را دارند. براساس یافته‌های جرم‌شناسی، بزهکاران بالقوه قربانیان خود را بیشتر از میان افرادی انتخاب می‌کنند که ارتکاب جرم نسبت به آنها دارای خطر و هزینه بالایی نباشد، بنابراین زنان به عنوان افراد بالقوه آسیب‌پذیرتر از مردان، آماج مطلوبی برای آن‌ها محسوب می‌شوند. بنابراین بالا بردن خطر ارتکاب جرم می‌تواند در فرایند گزینش آنان توسط بزهکاران تأثیر گذاشته و در نتیجه ضریب بزه‌دیدگی زنان را کاهش دهد. نظریه فرصت جرم<sup>۱</sup> نیز از جمله نظریه‌هایی است که در تبیین علل وقوع جرم و انحراف به کار می‌رود (حاجی ده آبادی، ۲۰۱۶). براساس این نظریه، صرف وجود بزهکار و بزه‌دیده برای وقوع جرم و انحراف کافی نیست؛ بلکه باید فرصت و موقعیت جرم نیز ایجاد شود. نظریه فرصت از دیدگاه‌های نوین در زمینه پیشگیری از بزهکاری و به تبع آن بزه‌دیدگی است. الگوی فرصت جرم میزان بزه‌دیدگی را وابسته به انواعی از شیوه‌های زندگی و فعالیت‌ها می‌داند که زمینه تماس مستقیم و نزدیک برخی از افراد و اجتماع‌ها را با بزهکاران بالقوه فراهم می‌آورد؛ مثل در معرض بودن، فقدان محافظ‌های مناسب و درخور توجه به شمار آمدن (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷).

باید در نظر داشت که نظریه فرصت از برخی نظریه‌های خاص دیگر مانند نظریه انتخاب عقلانی و نظریه الگوی جرم به وجود آمده است؛ زیرا طبق نظریه گزینش عقلانی جرم، یکی از شاخص‌های مهم که مدنظر مجرم است، دقت در تهیه فرصت لازم و مناسب برای تحقق عمل ارتكابی است؛ بنابراین به عقیده اسمایث و کلارک، پیشگیری وضعی از جرم بیشترین تأثیر را در پژوهش و کاربرد نظریه داشته است (نیکوکار، ۱۳۹۴، ص ۴۰).

از آنجایی که در پژوهش حاضر زنان شاغل و بزه‌دیدگی آنان مدنظر است، کاربست تدابیر اجرایی و نظارتی می‌تواند تا حد قابل توجهی از میزان بزه‌دیدگی آنان بکاهد. در همین ارتباط، کاهش فرصت ارتکاب جرم و برهم زدن معادله هزینه - فایده در نظر بزهکار، نقش مهمی در پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان شاغل خواهد داشت.

## روش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مدنظر، کاربردی و از حیث نوع تحقیق، توصیفی - تحلیلی است که با رویکرد کیفی انجام شد. در این پژوهش افزون بر استفاده از پژوهش‌های علمی فارسی و غیرفارسی، برای دستیابی به پاسخ‌های پژوهشگران و اهداف پژوهش، از تکنیک مصاحبه عمیق برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. در این نوع مصاحبه، پژوهشگر با طرح پرسش‌هایی کلی به مصاحبه شونده، اجازه می‌دهد تا دیدگاه خود را تشریح کند. انتخاب مصاحبه‌شونده‌ها به صورت هدفمند انجام شد، بدین معنا که پژوهشگر با توجه به معیارهای خاص و مرتبط با موضوع اصلی پژوهش و در واقع از روی هدف، مصاحبه شوندگان را انتخاب کرد. انتخاب مصاحبه‌شونده‌ها تا اشباع نظری ادامه یافت و بر این اساس، با ۲۰ نفر از زنان شاغل اعم از شاغلان بخش دولتی و خصوصی، مصاحبه و کدبندی داده‌ها انجام شد و در نهایت، نتایج حاصل از مطالعات خارجی و داده‌های کدبندی شده در قالب یافته‌های پژوهش ارائه شد.

برای اعتباریابی یافته‌ها، از روش‌های تأیید همکاران پژوهشی، استفاده از چند مصاحبه‌گر، تحلیل مستمر یافته‌ها و بازبینی پرسش‌ها و موضوعات مصاحبه، بازبینی پژوهشگران در طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، دقت در انتخاب مصاحبه‌شونده‌ها و آگاهی از دانش آنها در زمینه پرسش‌های مصاحبه، طرح پرسش‌ها براساس تعداد زیادی از پژوهش‌های خارجی دارای ارتباط مستقیم با موضوع، ثبت و یادداشت‌برداری مصاحبه‌ها و کدگذاری آنها، استفاده شد.

## یافته‌ها

در راستای پژوهش به عمل آمده، مصاحبه با ۲۰ نفر از زنان شاغل اعم از شاغلان بخش دولتی (۳ نفر از کارمندان دانشگاه، ۴ نفر از کارمندان قوه قضاییه و ۳ نفر از کارمندان شهرداری) و شاغلان بخش خصوصی (۴ نفر از کارگران کارخانه، ۳ نفر شاغل در

شرکت‌های خصوصی و ۳ نفر شاغل در بیمارستان خصوصی) انجام شد و در نهایت پاسخ پاسخگویان در خصوص پرسش‌های مرتبط با موضوع، به شرح ادامه تحلیل شد.

### تأثیر مقررات عمومی موجود در قانون کار یا سایر قوانین کیفری در زمینه کاهش یا رفع احتمال آسیب‌های شغلی

در زمینه تقنینی، عدالت کیفری شامل رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات از لحاظ شکلی و ماهوی است. اما باید گفت که با عنایت به اصل فوق در رابطه با موضوع پژوهش حاضر، خشونت‌هایی در جامعه صورت می‌گیرد که متأسفانه وصف مجرمانه نداشته و هیچ مرجعی برای رسیدگی به آنها وجود ندارد. خشونت در محیط کار یکی از مشکلات و مسائلی است که بیشتر از آنکه در حوزه نظری نگران‌کننده باشد در حوزه عمل و اجرا پای عدالت را به میان می‌کشد.

سازمان بین‌المللی کار، صاحبان برخی از مشاغل از جمله کادر بیمارستانی، مددکاران، مغازه‌دارها را بیشتر در معرض خشونت دانسته و تأکید ورزیده است که خشونت از نظر جنسیت، زنان را بیشتر تهدید می‌کند. البته در این میان انحرافات و کج‌روی‌هایی در جامعه کنونی به چشم می‌خورد که از منظر قانونگذار نادیده انگاشته شده و حتی مجازاتی در حد تساهل صفر و یا حداقل مجازات برای آن در نظر گرفته نشده است. زنان به دلیل برخی مسائل مانند گفت‌وگو با مردان در محیط کار و همچنین فرمانبرداری نکردن از مقام مسئول در محیط کار به خاطر درخواست‌های نابه‌جای کارفرما ممکن است دچار خشونت-هایی شوند که به دلیل وصف مجرمانه نداشتن چنین خشونت‌هایی، هیچ مرجعی برای دفاع از آنان وجود ندارد و گاهی حتی خود مراجع، مرجع خشونت برای این قشر از اجتماع می‌شوند، به طوری که مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ (شاغل در بخش خصوصی) نیز در این خصوص اشاره کرد: «متأسفانه در محل کار خشونت‌هایی از جمله مزاحمت‌های کلامی وجود دارد که متأسفانه وصف مجرمانه نداشته و مرجعی برای رسیدگی به آنها وجود ندارد».

در واقع آنچه امنیت زنان را در جامعه تهدید می‌کند، تنها نوع حاد آن، یعنی تجاوز به عنف نیست بلکه مزاحمت‌های کلامی، تهدید و ارعاب زنان در محیط‌های کاری و خیابان‌ها با الفاظ زشت می‌تواند بسیار آزاردهنده‌تر از سایر جرائمی باشد که ممکن است برای آنها رخ دهد. با اینکه قانونگذار چنین اعمالی را که جزء ناهنجاری‌های اجتماع هستند، جرم محسوب کرده و در ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مجازات‌هایی را به عنوان ضمانت اجرا و حمایت از زنان پیش‌بینی کرده اما باید گفت که این ماده قانونی فقط منحصر به اماکن عمومی و معابر است و به اماکن دولتی و خصوصی اشاره‌ای نشده است.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ (شاغل در بخش خصوصی) در خصوص نظارت قانونی بر مشاغل این‌طور بیان کرد که «قانونگذار درباره بخش خصوصی نظارت قانونی کمتری دارد. هر کارفرمایی بنا به سلیقه و خواست خود با نیروی کار خود رفتار می‌کند و می‌توان گفت که بین کارفرما با نیروی کار (زن) بیشتر روابط حرف می‌زند تا ضوابط قانونی؛ یعنی هرچه این رابطه عمیق‌تر و نزدیک‌تر باشد، ثبات شغلی زن بیشتر و از مزایای حقوقی بهتری استفاده می‌کند؛ اما درباره مشاغل دولتی قانونگذار تا حدودی توانسته است حق مطلب را ادا کند و تا حدودی قوانینی که مربوط به حفظ و نگهداری از حیثیت و آبروی زنان در محیط کار و رعایت شئون اداری و یا شرایط سخت کار و زمان و مکان اشتغال است را در نظر گرفته و برای نظم عمومی به طور مدون قوانینی را وضع کرده است». اما در این خصوص گفتنی است که در چند سال گذشته با اینکه مهد کودک دولتی و غذای روزانه و وسیله رفت‌وآمد (سرویس) کارمندان و کارگران دولتی برداشته شده و به جای آن مبلغی به عنوان رفاهی برای آنها در نظر گرفته شده است که هر ساله با توجه به بودجه آن سال تغییر می‌کند<sup>۲</sup> اما نه تنها این مبلغ نمی‌تواند هزینه‌های مهد و یا تردد افراد (به ویژه زنان که در این

۱. «هر کس در مکان‌های عمومی یا معابر، معترض یا مزاحم زنان یا کودکان شود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین کند، به حبس از دو تا ۶ ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

۲. تبصره دو ماده ۱۲ مصوبه ضوابط اجرایی قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور

پژوهش مدنظر هستند) را تأمین کند یعنی نه تنها جنبه حمایتی ندارد بلکه جنبه پیشگیری از وقوع جرم را نیز کم و یا نادیده گرفته است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ (شاغل در بخش دولتی) به این موضوع اشاره می‌کند: «خانمی که صبح زود مجبور است برای رفتن به محیط کار سوار وسیله نقلیه شود ممکن است در حین تردد، اتفاقات مختلفی از جمله قرار گرفتن در معرض هجوم و حمله سارقان و کیف‌قاپ‌ها، آدم‌ربایی و تجاوز به عنف، برای وی رخ دهد؛» زیرا بزهکاران بالقوه قربانیان خود را بیشتر از میان افرادی انتخاب می‌کنند که ارتکاب جرم بر روی آنها دارای خطر و هزینه بالایی نباشد، بنابراین زنان به عنوان افراد بالقوه آسیب‌پذیرتر از مردان، آماج‌های مطلوبی برای آنها محسوب می‌شوند. بنابراین اتخاذ یک سیاست افتراقی از طریق سازوکار جرم‌انگاری‌های ویژه و تشدید کیفر بزهکارانی که بزه‌دیده آنها یک زن است، ضروری است.

## دادرسی عادلانه

۵۰

در زمینه دادرسی، عدالت کیفری با دادرسی عادلانه محقق می‌شود و این دادرسی دارای دو بعد ساختاری و ماهوی است (ساداتی، ۱۳۹۵، ص ۸۷). دادسرا مرجعی است که هر بزه‌دیده از جرم برای تظلم‌خواهی ابتدا به آنجا مراجعه می‌کند. به طوری که در دادسرا با دریافت شکایت، چرخ‌های عدالت کیفری برای احقاق حق بزه‌دیده مطابق سیستم قانونی بودن تعقیب توسط دستگاه پلیس و دادگستری به پیگیری و تعقیب مجرم پرداخته می‌شود. بنابراین در اولین مرحله از فرایند کیفری باید به گونه‌ای عمل شود که بزه‌دیده احساس امنیت کرده و نسبت به اقامه شکایت تشویق شود (ابراهیمی، ۱۳۹۴، ص ۵۶). مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ (شاغل در بخش خصوصی) در این خصوص بیان کرد: «تجاوز جنسی یکی از رفتارهای علیه زنان است که معمولاً در مقایسه با سایر بزه‌دیدگی‌ها کمتر و یا ناقص‌تر گزارش می‌شود، زیرا زنان از یک‌سو بر این باورند که با افشای این راز از سوی جامعه و حتی خانواده و نزدیکان خود طرد می‌شوند و با آنان به عنوان یک فرد لالابالی و

منحرف برخورد می‌شود و باور دیگر این است که با گزارش کردن این جرم، هم خانواده و هم جامعه و مراجع قضایی مبنا را بر اساس مسائل مذهبی گذاشته و در ابتدا انگشت اتهام را به سوی خود آنان می‌گیرد و با مطرح ساختن سخنانی از جمله اینکه «اگر خودت شئونات را رعایت می‌کردی و یا اینکه اگر به فلان شخص اعتماد نمی‌کردی و یا اینکه اگر حجاب خود را کامل رعایت می‌کردی و یا اینکه حتماً رفتاری کرده‌ای که مجرم به خودش اجازه انجام چنین کاری را داده است». از افشای چنین جرائمی علیه شخصیت‌شان دوری می‌کنند». بنابراین باید گفت که متأسفانه برخی از مراجع به جای اینکه درصدد احقاق حق بزه‌دیده باشند با پیش‌داوری، بزه‌دیده را به شکل دیگر مورد خشونت و توبیخ قرار می‌دهند.

مصاحبه‌شونده شماره ۵ (شاغل در بخش دولتی) نیز از جهت دیگر به این موضوع اشاره کرد: «در برخی جرائم از جمله جرائم منافی عفت، هتک حرمت و مانند آن، ممکن است خانواده‌های این افراد بزه‌دیده که خود نوعی بزه‌دیده محسوب می‌شوند (بزه‌دیده غیرمستقیم) به دلیل رویارویی نسوان با قضات مرد، اجازه رسیدگی به ادامه روند دادرسی را ندهند و به درد جانکاه جرم واقع شده تن دردهند» که این موارد می‌تواند از نبود شعبه ویژه‌ای با آیین افتراقی در زمینه موضوع مورد بحث نشأت بگیرد. دادرسی عادلانه علاوه بر بعد ماهوی دارای بعد ساختاری نیز هست. بعد ساختاری ناظر به چارت سازمانی و نیروی انسانی مجربی است که در سازمان به کار گرفته می‌شوند.

در تحقیق و بازرسی در امور کیفری، قانونگذار، مسئولان پژوهش را به رعایت احتیاط به ویژه در مواجهه با اعمال منافی عفت که در پاره‌ای از این جرائم، زنان بزه‌دیده یا مجرم قلمداد می‌شوند، مکلف کرده است. به طوری که در جریان رسیدگی‌های کیفری، از یک طرف، به منظور حمایت و احترام به مقررات شرعی باید ضوابط و قواعد خاصی رعایت شود و از طرف دیگر نیز به جهت حفظ کرامت بانوان و آسایش روانی آنان باید اقدامات لازم توسط ضابطان قضایی آموزش‌دیده زن انجام پذیرد.<sup>۱</sup>

بخش ضروری از تضمین عدالت برای زنانی که به دادگاه مراجعه می‌کنند، تصمیم‌گیری قضایی متعادل، آگاهانه و بی‌طرفانه است. زیرا ممکن است جایی که قوانین مناسب برای تضمین حقوق زنان وجود دارد، متأسفانه قضات آنها را همیشه به درستی و عادلانه اعمال نکنند. مصاحبه‌شونده شماره ۱ (شاغل در بخش دولتی) در این خصوص بیان کرد: «بسیاری از زنان بزه‌دیده به دلایل مختلفی از مطرح کردن شکایت خود منصرف می‌شوند، به طوری که برخورد مناسب و شایسته با چنین زنانی که دارای آبرو هستند و از گفتن حقایق هراس دارند از طرف خانواده‌ها و به ویژه قضات دادسرا، می‌تواند موجب جلب اعتماد و اطمینان آنان شود» و نقش مؤثری در پیشگیری از وقوع جرم و رساندن بزه‌دیدگان به حق و حقوق آنان داشته باشد.

**تقویت تدابیر نظارتی و کنترلی بر واحدهای شغلی و تشدید ضمانت اجرای کیفری**  
پلیس و نیروی انتظامی که به عنوان بازوان اجرایی دولت در اجرای سیاست پیشگیرانه از جرم به ایفای وظیفه می‌پردازند، نقش بسیار مهم در پیشگیری از وقوع جرم و یا مساعدت و کنترل اوضاع بعد از وقوع جرم دارند. پلیس که در دو نقش پلیس قضایی و اداری ایفای نقش می‌کند در قسمت اداری در مقام پیشگیری از جرم فعال است اما پلیس قضایی، وظیفه کشف جرم و مساعدت به دادسرا در تحقیقات مربوط به جرم را برعهده دارد (ابراهیمی، ۱۳۹۴، ص ۴۶). در نتیجه با این تعاریف از وظایف پلیس، ابتدایی‌ترین نهادی که زن خشونت‌دیده به آن مراجعه می‌کند، پلیس پیشگیری یا قضایی است.

ضابطان، پلیس، نیروی انتظامی و نیروهای قضایی موظف‌اند، در خشونت‌های محیط کار بلافاصله وارد عمل شده و کنترل اوضاع را در دست گیرند و عامل خشونت را متوقف سازند. همچنین اگر امنیت جانی زن به شدت در معرض خطر است باید اختیار تام در امر توقیف مرتکبان را داشته باشند (عظیم‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۹۸) زیرا سهل‌انگاری در این



موضوع سبب می‌شود؛ از یک سو مجرمان خطرناک آزادانه در میان مردم رفت‌وآمد کنند و زمینه‌های خشونت‌های مکرر را فراهم سازند و از سوی دیگر سایر افراد خشونت‌گرا تصور کنند، دستگاه قضایی و پلیسی دچار ضعف عملکرد یا عدم تمایل در تعقیب و برخورد با آنها بوده که به مفهوم صحه گذاشتن بر رفتار این قبیل مرتکبان از طریق جامعه خواهد بود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ (شاغل در بخش خصوصی) در این خصوص به «کمبود نیروهای پلیس آموزش‌دیده در شناسایی قربانیان بالقوه خشونت‌های جنسیتی و ایجاد حس مسئولیت در نیروهای پلیس نسبت به اقشار آسیب‌پذیر از جمله زنان در محیط کار اشاره کرد». به طوری که حضور نیروهای پلیس در تمام مناطق به خصوص در مکان‌هایی که امکان اتفاق افتادن جرم در آن بیشتر است، از جمله در محیط‌های دولتی و خصوصی به صورت گشت‌زنی می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از وقوع جرم داشته باشد.

اقدامات مربوط به پیشگیری غیرکیفری از جرم نظیر پیشگیری وضعی و اجتماعی در حیطه مسئولیت قوه مجریه است. اما در قانون اساسی وظیفه پیشگیری از جرم به صورت کلی و مطلق، از وظایف قوه قضاییه شمرده شده است<sup>۱</sup> (مهدوی و فلاح‌الحسینی، ۱۳۹۸، ص ۳۸). این مناقشه می‌تواند اهمال دولت را در پیشگیری از جرم به همراه داشته باشد. اما در مجموع می‌توان گفت متولی پیشگیری اجتماعی، نهادهای رسمی یا غیررسمی از جمله قوه قضاییه، وزارت کشور، وزارت کار و امور اجتماعی و نیروی انتظامی هستند که با تقویت تدابیر نظارتی بر واحدهای شغلی می‌توانند، نقش مؤثری در کاهش بزه‌دیدگی زنان شاغل ایفاء کنند.

ضمانت اجراهای قاطع جزایی در کنار وضع قوانین و مقررات در قبال متعديان و متجاوزان می‌تواند نقش مهمی را در پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان ایفاء کند. قانونگذار «انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از

وسایل مکانیکی را برای کارگران زن ممنوع کرده است»؛<sup>۱</sup> به عبارتی مشاغل سنگین و سخت را به زنان واگذار نکرده و از جمله انجام مأموریت‌ها و رانندگی با ماشین‌های سنگین را بیشتر برای مردان در نظر گرفته است و کارهای سبک را که در شأن منزلت زنان باشد، برای آنان مدنظر قرار داده است. اما متأسفانه در عمل، تعدادی از زنان در بسیاری از کارخانه‌ها مشغول به کارهای سخت و سنگین هستند بدون اینکه ضمانت اجرای کافی برای کارفرمایان متخلف وجود داشته باشد. به طوری که مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ (شاغل در بخش خصوصی) به این موضوع اشاره می‌کند: «تعدادی از زنان در کارخانه‌ها مجبورند جوشکاری کنند که یک شغل مردانه است و آنها را دچار بسیاری از آسیب‌های جسمی می‌کند و یا مجبورند در حمل و نقل بارها از دست استفاده کنند». پرداخت جریمه نقدی به عنوان مجازات تخلف از مقررات کار برای کارفرما سنگین نیست و در ضمن مجازات زندان هم به ندرت درباره این قبیل کارفرمایان اعمال می‌شود. بنابراین با توجه به مشکلات یادشده، نادرست نیست که بگوییم میان مقررات کار و اجرای آنها تفاوت بسیار است.

در خصوص تقویت تدابیر نظارتی بر اجرای عدالت بین همکاران هم پایه توسط بازرسان اداره کل بازرسی، مصاحبه‌شونده شماره ۳ (شاغل در بخش دولتی) بیان کرد: «در جامعه شاغلان حس رقابت و سبقت گرفتن در بین زنان بیشتر از مردان است به خصوص در مشاغل دولتی و زمانی که دو همکار زن در یک مجموعه اداری دارای شرایط مساوی باشند اما یکی از آنان به دلیل نشان دادن خلق خوب و داشتن روابط نزدیک‌تر با مافوق بتواند از مزایای بهتری اعم از گرفتن اضافه کار بیشتر و یا گرفتن ترفیع از لحاظ شغلی استفاده کند به طور ناخودآگاه حس انتقام همکار (هم‌پایه) خود را برانگیخته می‌سازد و در برخی مواقع شاهد این موضوع هستیم که شخصی که در مقام انتقام‌جویی برمی‌آید شروع به خراب کردن فرد می‌کند و در همه‌جا بدگویی وی را می‌کند و این از مواردی است که وقتی عدالت در دستگاه‌های دولتی رعایت نشود و بر اساس سر و زبان و مانند آن، افراد مورد تبعیض قرار

گیرند، ناخواسته حس انتقام‌جویی را در سایرین برانگیخته می‌کنند که این حس حتی ممکن است از سوی یک مرد نیز انجام پذیرد و تنها زنان نباشند که از روی حسادت دست به چنین اقداماتی بزنند». بنابراین باید گفت بازرسان اداره هر از چند گاهی که به مؤسسات قانون کار مراجعه می‌کنند و به بازرسی می‌پردازند به این نکته نیز باید توجه کنند که در محیط کار آیا عدالت یا به عبارتی تبعیض نکردن توسط کارفرما بین کارمندانی که در یک مجموعه اداری با شرایط مساوی مشغول به کار هستند رعایت می‌شود یا خیر؟ زیرا رعایت نکردن عدالت بین کارکنان می‌تواند زمینه‌ای برای بزه‌دیده شدن آنان فراهم کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

زنان با توجه به اینکه موجوداتی مملو از احساس و نیاز و وابستگی هستند به همین تناسب نیز می‌توانند افرادی توانا و هوشمند و کارآمد در خانه و جامعه به فعالیت و تکاپو مشغول باشند. اما باید در نظر داشت زن به عنوان یک موجود لطیف، هنگامی که خارج از محیط امن خانه و خانواده به عنوان یک فرد شاغل در حیطه اجتماع قرار می‌گیرد، خطرات بسیاری وی را تهدید می‌کند که برخی از این خطرها به دلیل سهل‌انگاری و یا ناشی از تقصیر خود وی در این فرایند رخ می‌دهد و برخی دیگر به دلیل خشونت‌ها، ناهنجاری‌ها، رعایت نکردن قوانین و نبود قوانین الزام‌آور در سطح جامعه موجب می‌شود تا زن در یک فرایند به طور ناخواسته و گاهی به عنف و اکراه به عنوان یک بزه‌دیده از جرم آماج یکی از جرائم خشونت‌بار اجتماعی واقع شود. در واقع با اینکه بخشی از زنان به دلیل اینکه دارای مدرک تحصیلی هستند، خواهان حضور در جامعه و اشتغال هستند اما این در حالی است که بخش اعظم آنان به دلیل نیاز مالی مجبور به اشتغال هستند بنابراین باید خاطر نشان شد که اگر زن با وجود رفاه اجتماعی و داشتن امکانات مالی و نبود کمبودها و نیازها مجبور به کار کردن در خارج از محیط خانه نباشد، شاید به برخی از این بزه‌دیدگی‌ها و خشونت‌ها دچار نشود. به طوری که حتی برخی از زنان جامعه ما به دلیل نیازهای موجود در زندگی حتی

مجبور به کار شبانه و دوری از محیط گرم و امن خانواده هستند و حتی در بعضی موارد به دلیل اشتغال در شب، بزه‌دیده جرائمی همچون فریب و اغفال منجر به رابطه نامشروع، سرقت، آدم‌ربایی و یا سختی‌های ویژه کار شبانه همچون بی‌خوابی قرار می‌گیرند.

با اوصاف گفته شده، زنان در جامعه همانند گلی هستند که به دلیل لطافت و ظرافت‌های خاص خویش نیاز به مراقبت و توجه خاص بیشتری از طرف خانواده، جامعه و حتی قوای سه‌گانه دارند. باید در نگهداری و مراقبت از روح پاک و لطیف آنان که مادران جامعه محسوب می‌شوند، نهایت تلاش و سعی را کرد. زنانی که در یک جامعه همراه با مردان و در کنار آنان کار و تلاش می‌کنند تا کمکی برای زندگی خود و خانواده باشند با توجه به روحیات اخلاقی، جنسیت و مسائل اجتماعی که دارند همانند بیوه یا مطلقه بودن، بیکاری همسر، افزایش میزان تحصیلات، داشتن روحیه استقلال‌طلبی و مستقل بودن و یا فقر مالی خانواده و مهاجرت از روستا به شهر برای پیدا کردن کار در یک مؤسسه یا شرکت خصوصی، هر لحظه ممکن است طعمه افرادی سودجو و فرصت‌طلب شوند و یا مورد توهین و تعرض همجنسان و غیر همجنسان خویش به واسطه اشتغالشان قرار گیرند. بنابراین تمام نهادهای دولتی و غیردولتی باید دست در دست هم دهند تا برای حفظ نظم و آرامش جامعه برای آنان جهت ایفای وظایف، محیطی امن و آرام را فراهم کنند تا به دور از هر گونه تعدی و تعرض به انجام وظایف محوله در محیط کار خویش بپردازند و این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه تمام راهبردهای سیاسی، انتظامی و فرهنگی به کار برده شود و تدابیری پیش‌بینانه، پیشگیرانه و امنیتی که موجب ترس افراد فرصت‌طلب و سودجو می‌شود، به کار بسته شود.

کارکردن زن و مرد در کنار یکدیگر باتوجه به طبع ذاتی هر یک از آنها که کشش به سوی جنس مخالف دارد، این مطلب را به ذهن متبادر می‌سازد که گویی آتش و پنبه کنار هم نگهداری می‌شوند، بنابراین علاوه بر تقویت آموزه‌های دینی، شرایط پیشگیری نیز باید از سوی قوای سه‌گانه جامعه و نهادهای غیردولتی و با همکاری تمامی سازمان‌ها مهیا شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در نظام عدالت کیفری ایران، آسیب‌هایی در هر سه حوزه تقنینی، قضایی و اجرایی به چشم می‌خورد. بسیاری از اشکال قربانی شدن خشونت‌آمیز وجود دارند که توسط قانونگذار جرم‌انگاری نشدند و در برخی از موارد که جرم‌انگاری شدند، ضمانت اجراهای مناسب که نقش مؤثر در کاهش جرم داشته باشند، به چشم نمی‌خورد. در رابطه با برخی رفتارهای خشونت‌آمیز متأسفانه هیچ مرجعی برای دفاع از بزه‌دیدگان وجود ندارد و گاهی حتی خود مراجع، مرجع خشونت برای آنان می‌شوند مثلاً با روند دادرسی‌های طولانی و در مواردی پیش‌داوری، بزه‌دیده را به شکل دیگر مورد خشونت قرار می‌دهند. بنابراین نقش قوای سه‌گانه در حمایت از زنان شاغل بزه‌دیده بسیار مهم است. به طوری که دستگاه قضا و نیروی انتظامی و مراکز مشاوره و درمانی باید درباره زنانی که مورد خشونت و بزه‌دیدگی قرار گرفته‌اند با رعایت تمام جوانب حمایتی و با حفظ تکریم و منزلت بزه‌دیده، احقاق حق وی را سریع و خارج از روال دادرسی و حتی در صورت نبودن متهم به صورت غیابی به عمل آورند و مشاوران پزشکی و اساتید امر در تمام مراحل رسیدگی از ابتدا تا پایان این فرد را همراهی و با آنها همدلی کنند تا با جبران خسارت و یا دست‌یافتن به حق و حقوق از دست‌رفته خویش کم‌کم بتوانند روح مخدوش شده خویش را التیام بخشند و به بطن جامعه باز گردند و این میسر نخواهد شد جز در پناه تدوین دقیق قوانین حمایتی، در نظر گرفتن سیاست کیفری افتراقی، اجرای صحیح قوانین و تسریع در فرایند رسیدگی با حفظ کرامت انسانی شخص بزه‌دیده، چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی، زیرا خسارت مادی قابل جبران است اما گاهی التیام خسارت معنوی سال‌ها طول می‌کشد. پس باید گفت که همیشه پیشگیری بهتر از هرگونه اقدام درمانی و جبرانی است.

### پیشنهادها

- اختصاص شعب ویژه دادرسی در زمینه خشونت علیه زنان بویژه جرائم منافی عفت در محیط‌های شغلی و بهره‌گیری از دادرسان زن به عنوان بازپرس توسط دستگاه قضایی می-

تواند در جلوگیری از اطاله دادرسی در این گونه جرائم نقش مهمی را ایفاء کند.

- تشدید ضمانت اجرای نقض موازین شغلی در محیط کار توسط مجلس شورای اسلامی می‌تواند در پیشگیری از جرائم علیه زنان و بزه‌دیدگی آنان بسیار مؤثر باشد.

- در کنار تشدید نظارت بر بخش‌های دولتی باید در بخش‌های خصوصی نیز بر افراد شاغل نظارت بیشتری صورت گیرد. سازمان کار و امور اجتماعی در این خصوص می‌تواند نقش مهمی را در پیشگیری از وقوع جرم داشته باشد.

- از تمامی امکانات و لوازمی که موجب پیشگیری از وقوع جرم در محیط کار می‌شود در محیط‌های شغلی - به خصوص در محیط‌های خلوت یا مستعد بروز آسیب یا خطر - استفاده شود؛ در این ارتباط، استفاده از دوربین‌های مداربسته در آسانسورها یا در پاگردهای راه-پله‌ها و غیره در زمینه پیشگیری وضعی از بزهکاری اهمیت می‌یابد.

- برگزاری دوره‌های آشنایی با مقررات و قواعد حاکم بر فعالیت شغلی و اخلاق حرفه‌ای، تشریح تخلفات، جرائم و مجازات‌های مرتبط با نقض موازین شغلی و اخلاقی از سوی کارشناسان و بویژه دادرسان متخصص در اداره‌ها و محیط‌های کاری ضروری است به طوری که مراکز برنامه ریز معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه می‌تواند نقش مهمی را در این خصوص ایفاء نمایند.

### سپاسگزاری

به رسم سپاس؛ از تمام اساتید و معلمان فاضل و ارجمند که از ابتدای راه تاکنون منت نهادند و چگونه اندیشیدن را آموختند و همچنین مصاحبه‌شوندگان بزرگوار که بدون همراهی آنان، انجام این پژوهش میسر نبود، تشکر می‌کنیم.

## منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). *جرم‌شناسی پیشگیری*. جلد اول. تهران: انتشارات میزان.
- ابراهیمی، لیلا. (۱۳۹۴). *تحلیل جرم‌شناختی تأثیر اشتغال بر بزهدیدگی زنان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی: واحد قم.
- حاجی تبار فیروزجائی، حسن. (۱۳۹۱). *بزهدیده‌شناسی حمایتی افتراقی*. چاپ اول. تهران: انتشارات جنگل.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۴). *بزهدیده‌شناسی حمایتی*. چاپ اول. تهران: نشر دادگستر.
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی*. تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عظیم‌زاده، شادی. (۱۳۸۴). *پویایی جلوه‌های سیاست جنایی در حمایت از زنان بزهدیده خشونت*. *مجله حقوقی دادگستری*، (۵۲ و ۵۳)، صص ۲۰۵ - ۲۵۲. قابل‌بازیابی از: <http://www.zlj.ir/article-44304.html>
- غلامی، حسین. (۱۳۹۰). *درآمدی بر آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری جنایی در قبال پیشگیری از تکرار بزهدکاری و بزهدیدگی در ایران*. *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۳۹۰ (۱)، صص ۳ - ۱۸. قابل‌بازیابی از: <http://cld.razavi.ac.ir/article-841.html>
- کرامتی معز، هادی و میرخلیلی، سیدمحمود. (۱۳۹۹). *پیشگیری رشدمدار از بزهدیدگی کودکان در شبکه‌های اجتماعی مجازی*. *فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۵ (۵۶)، صص ۱ - ۲۲. قابل‌بازیابی از: <http://journals.police.ir/article-95006.html>
- مگوایر، مایک. (۱۳۹۴). *دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد*. حمید ملک‌محمدی، مترجم. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- مهدوی، محمود و فلاح‌الحسینی، بی بی فاطمه. (۱۳۹۸). *نقش سازمان بازرسی کل کشور در پیشگیری از وقوع جرم*. *فصلنامه علمی رهیافت پیشگیری از جرم*، ۲ (۴)، صص ۳۷ - ۵۶. قابل‌بازیابی از: <http://www.jpca.ir/article-227526.html>
- نعیمی، سید مرتضی. (۱۳۹۱). *پیشینه رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق*. *فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد*، ۵ (۱۶)، صص ۱۷۲ - ۲۱۹. قابل‌بازیابی از: <http://alr.iauctb.ac.ir/article-513151.html>
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). *مباحثی در علوم جنایی، تقریرات جامعه‌شناسی جنایی، دوره کارشناسی ارشد*. دانشگاه شهید بهشتی: دانشکده حقوق، تحریر و تنظیم: مهدی صبوری فرد.
- نیکوکار، حمیدرضا. (۱۳۹۴). *دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد*. تهران: انتشارات میزان.
- ولد، جرج؛ برنارد، توماس و اسنیپس، جفری. (۱۳۹۷). *جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)*. علی شجاعی، مترجم. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات سمت.

Covington, Stephanie & Bloom, Barbara. (2002). *Gender Equality: women in the criminal justice system review of policy research*, 21.

Krammara, C; and P. A Treichler. (1985). *a Feminist Dictionary: In Our Own Words*, London: Pandora Press.

- Harding, S. (1980). The Norm of Social Inquiry and Masculinity Experience, Philosophy of Science Association. *Symposia and Invited Papers*, 1980(2), pp 305-324.
- Stoltenberg, J. (2000). *Refusing to be a Man, Essays on Sex and Justice*, Revised Edition. London: UCL Press.
- Messerschmitt, J. W. (1994). *Schooling Masculinities and Youth crime by White boys*, T. Newburn and E. A. Stanko Just Boys Doing Business? Men, Masculinities and Crime: Rowman and Little field.
- Weitz, R. A. (1998). *History of Women's Bodies in R. the Politics of if Women's Bodies*. Oxford: Oxford University press.



